



نقطهٔ اوج

نفوذ فرانسه بر دربار ایران

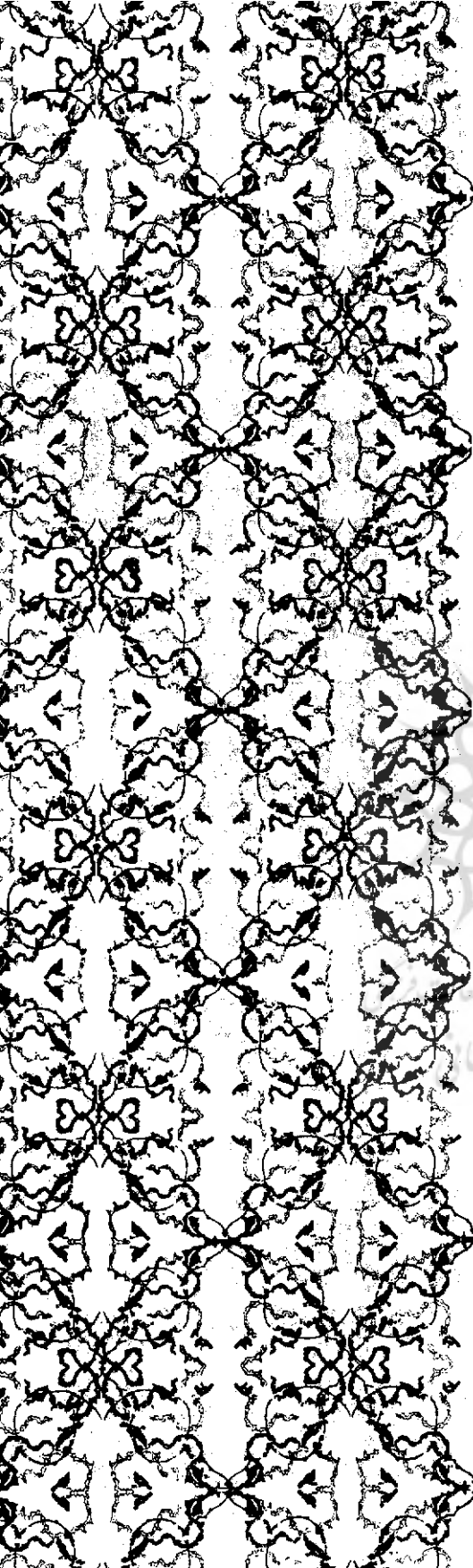
در زمان فتحعلیشاه قاجار



از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مونیکا روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته : مونیکا روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)

نقطه اوج نفوذ فرانسه

بر دربار ایران در زمان فتحعلیشاه قاجار

و تأثیر آن بر سیاست ایران در برابر روسیه

الف - توسعه روابط فرانسه و ایران تا عقد قرارداد فینکن اشتاین (Finkenstein) بعد از نابودی نیروی دریائی فرانسه و شکست تیپوسلطان ، ناپلئون نقشه حمله به هندوستان خود را تغییر داد چون پیاده کردن قوا به سواحل دکن Dekkan دیگر غیرممکن شده و راه زمینی اهمیت بیشتری کسب کرده بود بهمین سبب مذاکرات محرمانه با تزار پل شروع شده و پس از گفتگوهای رسمی قرار بر این شده بود که ۳۵ هزار سرباز فرانسوی در طول رود داتوب به استراخان بیایند و در آنجا با ۳۵ هزار سرباز روسی متحد شوند و سپس جمعاً از راه استرآباد و هرات و قندهار بسوی هندوستان حرکت کنند. ولی وقتی با قتل تزار این نقشه بلا اجرا ماند مجدداً ایران و افغانستان مورد توجه خاص ناپلئون قرار گرفتند.^۱

در ۲۱ اکتبر ۱۸۰۴ روسو Rousseau^۲ عامل فرانسوی مقیم حلب

1— Rouire 87—90 / Quad 114 .

۲ - وی در همان سال گزارشی در باره اوضاع ایران نوشته است که دارای این شماره است : (Arch. Etr. III Perse 1)

به وزیر خارجه فرانسه نوشت که وی بطور غیرمستقیم به دوست صمیمی خود شیخ الاسلام اصفهان اطلاع داده است که ناپلئون میل دارد با شاه مشغول مکاتبه گردد.^۳ و شیخ الاسلام جواب داده است که شاه با کمال میل پیشنهاد ناپلئون را میپذیرد و بعلاوه شاه که از رفت و آمد انگلیسها دل خوشی ندارد به فرستاده آنها مانستی Manesty اطلاع داده است که وی آرامش کشورش را بیش از آن مهم میدانند که بامذاکره و قرارداد با شرکت هند شرقی، آنرا بخطر انداخته و بر روابط دوستانه و اتحاد خود را با پادشاه قندهار تیره کند زیرا بهانه و دلیلی که ایجاد تیرگی اوضاع با همسایه ایران کند وجود ندارد بعلاوه روسو پیشنهاد کرد سفیری به ایران فرستاده شود تا بین ناپلئون و فتحعلی شاه و حاکم قندهار اتحادی منعقد نماید.^۴ شاه طی اقامت خود در ایروان در سال ۱۸۰۴ برابر ۱۲۱۹، در مذاکره ای با اسقف ارمنی، از اوضاع فرانسه بخوبی مطلع شده بود^۵ و امید داشت که بتواند دوستی متحد و قابل اطمینان یعنی فرانسه را در جنگ علیه روسیه بدست آورد و بدینجهت آشکارا فوراً با ناپلئون تماس برقرار کرد.

مکاتبات او^۶ با ناپلئون در دسامبر ۱۸۰۴ به قسطنطنیه و ترجمه

3— Rawlinson, Sir Henry: *England and Russia in the East*, London 1875, P. 15

راولینسون در این اثر خود معتقد است که خانواده های کنسولهای قدیمی توسط نامه های جعلی کوشش کردند که نخستین رابطه بین ایران و فرانسه را برقرار سازند.

4— Arch. Etr. Perse 1785—AN14—1805 Dok. 64, 182—185

همچنین رجوع کنید به Lock 303

5— Mis Gar 13 .

۶ - این نامه احتمالاً توسط يك نفر ارمنی بنام اوسپ و اسیلیویچ ارسال گردیده بوده است و فرانسویان نسبت به اصالت آن نامه شك داشته اند .

(Arch. Etr. Perse 1785—AN 14—1805 Dak. 86, 230)

آن در ژانویه ۱۸۰۵ به ناپلئون رسید.^۷ وی فوراً عکس‌العمل نشان داده و تالیران Talleyrand را مأمور کرد کلیه مراسلات روسو را خلاصه کرده و هرچه انگلیسها و روزنامه‌های پترزبورگ راجع به ایران نوشته بودند بصورت گزارشی بعرض او برساند.^۸ سپس ژوبر Jaubert را مأمور کرد بایران مسافرت نماید. چون این شخص ابتدا در قسطنطنیه برای حضور به دربار سلطان مدتی بانتظار میماند، فوراً بعد از انتصاب خود، سرهنگ رومیو (Romieu) را مستقیماً به تهران فرستاد. وی پس از اقامت کوتاهی در قسطنطنیه در ماه مه ۱۸۰۵ بسوی حلب ادامه سفر داد. فرانسویان در آنجا برای فرار از دسیسه‌های عمال انگلیسی و عثمانیان شایعه‌ای منتشر کردند که سرهنگ رومیو خیال مسافرت به یکی از کشورهای دور آسیای خاوری را دارد ولی کنسول انگلیس در حلب توانست پی به هدف واقعی او برده و از نقشه فرانسویان آگاه گردد و باعث شد که رومیو را چهل روز توقیف کردند، بطوریکه وی نتوانست زودتر از اوائل اکتبر ۱۸۰۵ به تهران برسد.^۹ مأموریت^{۱۰} او این بود که راجع به اوضاع ایران اطلاعات دقیقی تهیه کند.

7— Mis Gar 14/Rouire 61/Pro 59 .

8— Arch. Etr. Perse 1785—AN 14—1805 Dok. 91 , 238 .

9— Mis Gar 16ff./ IOR, FR 21, 59—62 .

۱۰— Quadflieg می‌نویسد که در این زمان دولت ایران کاملاً ضعیف شده بود ولی ناپلئون با وجود آن خیال میکرد که می‌تواند ایران را برضد روسیه تهییج نماید ولی این عقیده درست نیست چون جنگهای سال ۱۸۰۴ کاملاً بنفع ایران بوده و سپاهیان روس در چند جنگ شکست خورده بودند . (رک (Die russ. Expansion—Politik in Asien, S. 117)

((Monika Rochanzamir—Dahncke, Iran in Napoleonischer Zeit, S. 69, 85)

در همان زمان با واطلاع داده شد که ناپلئون قصد دارد با این قدرت یعنی ایران متحد شود و به ضروریات و حوائج او کمک کند.^{۱۱} رومیو نامه مورخه ۳۰ مارس ۱۸۰۵ ناپلئون را به شاه تقدیم کرد. در آن نامه مزایای داشتن قشون منظم و مستحکمت مرزی و نیروهای قوی ایرانی در دریای خزر توصیف گردیده و تأکید شده بود که از فرستاده احتمالی پادشاه در دربار ناپلئون پذیرائی شایانی بعمل خواهد آمد.^{۱۲} بعلاوه رومیو مأموریت داشت اجازه کسب کند مقری برای فرانسویها در بندر عباس ایجاد شود و شاه اتحاد خود را با انگلیس قطع نماید.^{۱۳} از قرار معلوم رومیو در مذاکرات خود به وزیرای شاه گفته بود که فرانسه به ایران، در عقب راندن روسها کمک خواهد کرد بشرط اینکه دولت ایران با فرانسه قرارداد اتحاد ببندد و در آن صورت فرانسه یکی از بنادر خلیج فارس را در دست بگیرد.^{۱۴} در هر حال رومیو فرصت انجام مأموریت خود را نیافت چون در ۱۵ اکتبر ۱۸۰۵ یا ۱۷ روز بعد از ورودش به تهران فوت کرد.^{۱۵} معیندا مأموریت او خاتمه نیافت و یکی از همراهان او تماس با شاه را قطع نکرد. منابع انگلیسی از این جریان با اطلاع بودند بطوریکه گزارش دادند که «فرانسه میخواست اینطور وانمود کند که حمله روسها به ایران در نتیجه تحریکات انگلیسها بوده و شاه که معلوم

کتابخانه مدرسه لیسپه

11— Arch Etr. Perse 1785—AN 14—1805 Dok. 14, 243f .

12— Ibid. Dok. 93, 241 .

13— IOR, MS, Mis 737 Dok. 63, 581 .

14— IOR, FR 31 , 59—61/ ۲۷ تاریخ روابط ایران و روسیه در نیمه قرن نوزدهم ص ۲۷

15— IOR, Ms. Mis 737 Dok. 63, 582/Arch. Etr. Cor. Pol. Perse, vol. 9

Folio 50 / MisGar 19—20 .

نیست. اطمینان حاصل کرده بود یا نه ظاهراً بسرعت حاضر به عقد قرارداد و اتحاد با فرانسه بر علیه روسها شده بوده است...»^{۱۶} روسو در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۸۰۵ به اطلاع تالیران رسانیده بود که انگلیسها سعی میکنند به شاه بقبولانند که فرانسویها باعث حمله روسها به ایران شده بوده‌اند.^{۱۷} این حالت کمی مسخره بنظر میرسید. اما قدر مسلم اینست که شخص مورد نظر و مقصر فتحعلیشاه نبوده و بهیچوجه این موضوع آنطور که محمود محمود و بسیاری از مورخان اروپائی نوشته‌اند نبوده است. نامبردگان عقیده دارند که شاه و درباریان وی کاملاً از اوضاع سیاسی جهان بی اطلاع بوده‌اند و هر گامی که برمیداشتند بزبان خودشان تمام میشد و دول انگلیس، فرانسه و روس بوسیله دادن هدایای گرانبها همیشه به هدفهای خود میرسیده‌اند.^{۱۸} بلکه بعکس فتحعلیشاه ثابت کرده که وی از تغییرات سیاسی دائمی قدرت‌ها در اروپا بخوبی آگاه بوده است و شتاب وی در اتحاد بادولت فرانسه این امر را بخوبی نشان میدهد.

همانطوریکه در بالا اشاره شد، ناپلئون بناپارت بمحض دریافت نامه فتحعلی شاه، پیرآمده ژوبر (Pierre Amédée Jaubert)^{۱۹} را فوراً عازم سفر به ایران کرد.

وی در هفتم ماه مارس ۱۸۰۵ پاریس را ترک کرد و در ۱۰ آوریل به قسطنطنیه رسید. چون بیم بهم خوردن روابط بین فرانسه

16— IOR, MS. Mis 737 Dok. 63, 584 .

17— Arch. Etr. Perse 1785—AN 14—1805 Dok. 75, 211 .

۱۸— محمود محمود : تاریخ روابط سیاسی . . . ص ۱۸

۱۹— وی سفرنامه‌ای نیز نوشته است .

و دربار قسطنطنیه میرفت ، ۲۰ این شخص میبایست مدت بیشتری در آنجا میماند تا احتمال چنین تصویری را در فکر سلطان از میان ببرد. بعد از اینکه تا حدی از این نظر خیالش آسوده شد در ۳۰ ماه مه با تظاهر به اینکه به پاریس مراجعت میکند بسوی ایران حرکت کرد. با اینکه وی با نام مستعار سفر میکرد ولی در ورود به ترابوزان بوسیله مأمورین انگلیسی شناخته شد. ۲۱ در ۴ ژوئیه ژوبر به بایزید رسید در آنجا بوسیله پاشای منطبقه دستگیر و زندانی شده و دو نفر از همراهان وی کشته شدند و هرچه داشتند مصادره شد. بعد از چند ماه حبس، ژوبر توانست بوسیله یک زن ارمنی ، پیغامی برای عباس میرزا بفرستد. ولیعهد فوراً آزادی ژوبر را از حاجی یوسف پاشا حاکم عثمانی ارزروم خواست و برای اینکه تهدیدی کرده و فشار بیشتری بیاورد، فرمان جمع آوری قوا را صادر کرد و بالاخره سفیر فرانسه بعد از هشت ماه اسارت آزاد شده و با احترام زیاد به تبریز فرستاده شد و بلافاصله در سلطانیه بحضور شاه شرفیاب گردید . ۲۲ سفیر نامبرده نامه ناپلئون ۲۳

20— Zink 383—386 .

21— Jau 2—3, 7—8/MisGar 16—20/Pro 59 .

22— Jau 40—74/Kajars 275—6/Wat 152—3 .

۲۳— نگارنده گمان دارد که نامه های رومیو و ژوبرت دارای يك متن ياكيبه يكدیگر بوده اند چون هر دو ی آنها در يك زمان فرانسه را ترك کرده بودند و قرار بوده که در دربار ایران يكدیگر را ملاقات نمایند .
این امر از نامه پسر روسو که بتاريخ اول ماه مه ۱۸۰۶ نوشته شده است بخوبی واضح میگردد

(Arch. Etr. Corr. Pol. Perse, vol. 9 Fol. 50)

این نامه که کپی آن در آرشیو وزارت خارجه فرانسه موجود است دلیل



را تقدیم شاه کرد. در این نامه بقول یکی از منابع ایرانی^{۲۴} چنین نوشته شده بود:

«دولت فرانسه برعلیه روسیه بوده و دشمن آن کشور میباشد در حالیکه انگلیس با آن دولت روابط دوستی خود را حفظ میکند و بنابراین این عاقلانه است که در نتیجه تخطی انگلیسها از قرارداد، ایران روابط قدیمی و نزدیک خود را با فرانسه دوباره برقرار کند و مزایای این دوستی که راندن روسها از گرجستان و ایران باشد بخوبی آشکار است».

دستورالعمل ژوبر ایجاب کرد که به خصوصیات شاهزادگان، اشخاص و معتمدین دربار پی برده و اطلاع دهد^{۲۵} ولی سلامت او چنان مورد مخاطره بود که شاه دستور داد او را با تخت روان به ترکیه منتقل کنند.^{۲۶} شاید وی نمیخواست سفیر دیگری از فرانسه در ایران بمیرد.

ژوبر بوسیله میرزا محمدرضا قزوینی که از طرف شاه بعنوان سفیر ایران در دربار فرانسه منصوب شده بود، همراهی شد.^{۲۷}

واضح دیگری بر این گفتار است. آنچه در منابع ایرانی بعنوان نامه ذکر گردیده است احتمالاً همان متن مذاکرات رومیو میباشد (رک
(Monika Rochan Zamir—Dahncke : Iran in napoleonischer Zeit S. 86)
ناپلئون دو نماینده مزبور را مخصوصاً از لحاظ خاطر جمعی و احتیاط ، جداگانه روانه کرده بوده است (رک نامه ناپلئون به تالیران مورخ ۷ آوریل ۱۸۰۵ که در موزه Cernischi پاریس موجود میباشد) .

24— Kajars 275 .

25— Arch. Etr. Perse 1758—AN 14—1805 Dok. 86, 231 .

26— MisGar 21—22 .

۲۷— روضة الصفا ج ۹ ص ۴۲۰ / تاریخ وقایع و سوانح افغانستان ص ۷۳
Kajars 276 تاریخ روابط ایران و روسیه در نیمه قرن نوزدهم ص ۲۹

با اینکه این دو هیئت اعزامی به دربار ایران بعد از گذشتن از موانع و مشکلات فراوان به کشور ایران رسیدند از آن بیعد دیگر روابط بین ایران و فرانسه تا ورود ژنرال گاردان Gardane قطع نشد. بعد از عزیمت ژوبریمنار، ژوزف ماری ژوئانن Joseph—Marie Jouannin به ایران آمد. بوسیله او دربار ایران از آخرین اخبار اروپا مطلع شد و نیز در مورد نمایندگان تجار تی فرانسه در حلب و بغداد (روسو و پسرش) نیز دربار ایران آخرین اخبار را بدست آورد ۲۸ فرستادگان بعدی موسیودلا بلانش de la Blanche برادرزاده وزیر خارجه فرانسه و آوگوست بن تام لفور Auguste Bontems—Lefort بودند که وظائف نظامی داشتند. ۲۹ گمان می رود که یکی از این دو نفر، نامه ای را که ناپلئون در ۱۷ ژانویه ۱۸۰۷ در ورشو نوشته بود به دربار ایران آورد که در مقدمه آن خبر غلبه فرانسه بر پروس در آن داده شده بود. علاوه بر آن ناپلئون چنین ذکر کرده بود. «من امپراطوری خود را ترک کردم که به سوی دشمنان بروم توهم بنوبه خود با قدرت به دشمنانی که در اثر فتوحات من ضعیف شده اند حمله کن و دوباره گرجستان و تمام استانهای که امپراطوری ترا تشکیل میدهند بتصرف بیاور...» ۳۰ این نامه بی اثر نبود زیرا فتحعلیشاه در نامه مورخه ۸ ژوئن ۱۸۰۷ یا اول ربیع الثانی ۱۲۲۲ مینویسد که به عباس میرزا دستور داده است که از سه نقطه به روسها حمله کند

28— Kajars 302—305/Mor. XV/MisGar 22 .

29— Arch. Etr. II Perse 7, 1806—1829 .

۳۰— این نامه را نگارنده در بهار سال ۱۹۷۲ در موزه Cernischi پاریس ملاحظه نمودم .

کاتالوگ مربوط به این نامه و نمایشگاه تحت عنوان و شماره :
(Minute du document, A. E., Corr., Perse, vol. 9, f. 103.) چاپ شده بود .

یعنی از گرجستان، دربند و داغستان.^{۳۱} مسیو رومن Rouman که در ۱۵ اکتبر ۱۸۰۷ به تهران وارد شد، تا ورود ژنرال گاردان عهده دار امور سیاسی فرانسویها بود.^{۳۲} بسبب همین مرادده دیپلماسی پیگیر، نفوذ فرانسه در دربار ایران دائماً در حال تزاید بود.^{۳۳} همانند استقبال دوستانه‌ای که از سفرای فرانسه در تهران بعمل می‌آمد، دولت فرانسه نیز از میرزا محمد رضا قزوینی پذیرائی شایانی نمود.

طرف مذاکره سفیر ایران برنارد ماره Bernard Maret بود که در ۲۰ آوریل ۱۸۰۷ ناپلئون به او برای عقد قرارداد با ایران اختیار تام داده بود.^{۳۴} بالاخره در ۴ مه ۱۸۰۷ در فینکن اشتاین Finkenstein قرارداد اتحاد ایران و فرانسه امضاء گردید.^{۳۵}

۳۱- این سند در موزه Cernuschi تحت عنوان و شماره :
(A. E., Cor. Pol., Perse, vol. 17, f. 43) موجود میباشد.

32— MisGar 23/Schlkau 26 .

33— Ior, Ms., Mis 737 Dok. 63—586 .

۳۴- فرمانهای مربوط به این دو نماینده تام‌الاختیار یعنی ماره و میرزا محمد رضا قزوینی در سال ۱۹۷۲ بعنوان امانت وزارت امور خارجه فرانسه در نمایشگاه موزه Cernuschi پاریس بنمایش نهاده شده بود و شماره آرشیو آنها چنین بود :

1) A. N. AF IV 1705, doss. 1, doc. 40—41/ 2) A. N. AE. III 57

۳۵- موضوع باریابی و پذیرائی از هیئت نمایندگی ایران در فینکن اشتاین بر روی يك پرده نقاشی بسیار زیبا بطرز جالبی نقش گردیده است که اکنون در موزه ورسای موجود میباشد. این تابلو کار فرانسوا هانری مولارد (۱۸۵۰-۱۷۶۹) میلادی) میباشد و نشان میدهد که هیئت هفت نفری ایرانی چگونه مورد احترام ناپلئون قرار گرفته‌اند .

این قرارداد از ۱۵ پاراگراف تشکیل شده بود. ۳۶ در ماده ۴ قرارداد میگوید ناپلئون تمام سعی خود را مصروف این خواهد کرد که روسها را از گرجستان و خاک ایران مجبور به عقب نشینی کند و این عقب نشاندن هدف دائمی سیاست او خواهد بود. ماده ۶ تحویل اسلحه به ایران و ماده ۷ ورود افسران فرانسوی به ایران برای تربیت قوای ایران به روش اروپائی و ماده ۸ حاکی از اعلام جنگ ایران به انگلیس و شروع فوری به اقدامات خصمانه است. ماده ۹ طرفین قرارداد را ملزم میکند علیه انگلستان و روسیه متحداً بجنگند. ماده ۱۰ شاه را متعهد میکند نفوذ خود را بر افغانها بکار برد تا آنها بروی انگلیسها اسلحه بکشند و خود شاه نیز لشگری علیه متصرفات انگلیسها در هند بفرستد. در ماده ۱۱ تا ۱۳ شاه ملزم است که برای نیروی دریائی فرانسویها که در خلیج فارس بساحل میآیند آذوقه و قوای کمکی تهیه کند و اجازه دهد که نیروهای فرانسوی جهت حمله به هندوستان از ایران عبور کنند. بطوریکه ملاحظه میشود این قرارداد منظور ناپلئون درباره حمله به هندوستان و بیرون راندن روسها از قفقاز را کاملاً آشکار مینماید ولی این دو تصمیم هیچگاه بمرحله اقدام درنیامد. در غیر از ماده ۷ در حقیقت هیچیک از پاراگرافها عملی و اجرا نشد (مواد

۳۶- ترجمه انگلیسی تمام این قرارداد در

Diplomacy in the Near and Middle East A Documentary Record :
1535—1914, N. Y. 1958 .

و ترجمه فرانسه آن توسط علی اکبر سیاسی در

La Perse au Contact de l'Occident Paris 1931 .

منتشر شده است .

ذکر نشده ۱ تا ۳ اشاره به موضوعات کلی در مورد دوستی دائمی و پایدار بین طرفین و ضمانت تمامیت خاک ایران و شناسائی فتحعلی شاه بعنوان حاکم گرجستان میکند). زیرا از جهت اجرای آن مواد به تغییرات سریع و غیرمنتظره اوضاع سیاسی در اروپا بستگی داشت و از طرف دیگر به اصل دوران واقعیت مواد این قرارداد ارتباط پیدا میکرد. میرزا محمد رضا در پائیز ۱۸۰۷ همراه ژنرال گاردان به تهران رسید و قرارداد اتحاد در ۲۰ دسامبر ۱۸۰۷ به تصویب رسیده و امضاء شد. ۳۲

ب - دخالت ژنرال گاردان در سیاست ایران علیه روسیه

در ۱۲ آوریل ۱۸۰۷ ناپلئون، ژنرال کلود ماتیهو گاردان—Claude—Matthieu—Gardane را در قصر فینکن اشتاین بعنوان نماینده تام‌الاختیار خود در ایران و برادر او پل آنژ لوئی Paul—Ange—Louis^{۳۵} را بعنوان دبیر اول سفارت معرفی کرد^{۳۶}. دستورات ناپلئون به ژنرال با دستوراتی که قبلاً به ژوبر داده بود فرقی نداشت فقط مفصل‌تر بود و دستورات اکید ناپلئون بیشتر متوجه موقعیت و امکانات جغرافیائی، مالی و نظامی ایران میشد. بعلاوه گاردان دستور داشت دشمنی ایران را با روسیه تشدید کرده و در عوض بین ایران و

روضه الصفا ج ۹ ص ۳۶-۴۵ و

37—Kajars 332—333/Mor. 253, XV—XVI/Wat 153

تاریخ وقایع و سوانح افغانستان ص ۷۲ / تاریخ روابط ایران و روسیه...

ص ۳۰-۳۳

۳۸- وی مولف کتاب Journal de Voyage dans la Turquie Paris 1809 میباشد.

۳۹- این فرمان هم در بهار سال ۱۹۷۲ در موزه Cernuschi پاریس تحت

عنوان و شماره (Arch. Etr. Cor. Pol., Perse, vol. 9, f. 144)

بنمایش نهاده شده بود.

ترکیه روابط نزدیکتری را سبب گردد و بعلاوه وی اختیار داشت موافقتنامه‌ای برای تحویل اسلحه به ایران منعقد کند. ضمناً دستورات و اطلاعات دقیق و زیادی هم در مورد پیاده شدن قوای فرانسه در سواحل خلیج فارس به ژنرال گاردان داده شده بود. در مورد هندوستان هم ژنرال دستور داشت با مهاراجه‌ها تماس برقرار نماید. بالاخره آخرین نکته دستورات مزبور در مورد امور بازرگانی بود. ۴۰

هیئت اعزامی فرانسه^{۴۱} با در دست داشتن این دستورات، در پائیز ۱۸۰۷ به ایران وارد شد. در ۶ دسامبر استقبال باشکوهی از آنان در تهران بعمل آمد و به گاردان نیز طی مراسمی لقب‌خانی داده شد. چهارده روز بعد شاه قرارداد همکاری و اتحاد را تصویب نمود و دو نفر از اعضاء عالی‌رتبه شاه آنرا مهر کردند^{۴۲}. قبل از هر چیز مفهوم نیست که چگونه گاردان بعد از آنکه روسیه طبق معاهده صلح تیلسیت Tilsit در ۷ یا بعبارت دیگر در ۹ ژوئیه متفق فرانسه شده بود پیمانی را که نکات اصلی آن نمیتوانست قابل اجراء باشد به شاه تسلیم کرده است؟ این رفتار را فقط میتوان بی‌اطلاعی او از اتفاقات و حوادث تازه آنموقع تلقی کرد. اگر

۴۰- ترجمه انگلیسی تمام متن این دستورات در نشریه

(Diplomacy in the Near and Middle East MisGar, P. 315 ff.)

موجود میباشد. همچنین رک کتاب گاردان

۴۱- لیستی از اسامی اعضاء این نمایندگی در کتاب گاردان MisGar ص ۱۰۳ بعد موجود است.

۴۲- /MisGar 82-99 / Kajars 323-324 / روضه الصفا ج ۹ ص ۶-۷/۴۳۵

فارسنامه ناصری ص ۲۱-۱۲۰ / ناسخ التواریخ ص ۷۵ / تاریخ وقایع و سوانح افغانستان ص ۴-۷۳

هم ژنرال گاردان قبل از عقد قرارداد صلح تیلسیت به ایران حرکت کرده باشد باز تصور اینکه وی از این تحولات اطلاعی کسب نکرده باشد عجیب بنظر میرسد. بعلاوه خیلی ساده این مسئله پیش می‌آید که چطور او این قرارداد را با آگاهی از آن تغییرات به‌شاه تسلیم کرده است. معاهده فینکن‌اشتاین نه تنها علیه روسیه بلکه علیه انگلستان نیز بوده است یعنی از بستن قرارداد صلح تیلسیت فقط يك قسمت از معاهده فرانسه و ایران مورد ابطال قرار میگرفت و نقشه‌های ناپلئون در مورد هندوستان تغییری نکرده و ایران هم هیچوقت قرارداد جداگانه‌ای علیه انگلستان امضاء نکرده بود زیرا بیش از هرچیز دیگر نظرش متوجه مناطق شمالی و گرجستان بود. از این جهت اقدام گاردان بخوبی روشن است و منظور او از این اقدام حتماً این بوده است که نزدیکی ایران را به انگلستان، که در این موقعیت دشمن روسیه شده بود، مانع شود. همچنین امکان دارد که دربار فرانسه عمداً و بهمین علت ژنرال را از تغییرات تازه اوضاع سیاسی در اروپایی اطلاع نگاه داشته باشد. در هر صورت ایران مانند قدرتهای اروپائی که در شرق جاسوسانی داشتند، دارای جاسوسانی در اروپا نبود و بهمین سبب سخنان نماینده ناپلئون مورد قبول قرار گرفت.

در بهار سال ۱۸۰۸ بارون ورده Baron Wrede بعنوان فرستاده گودویچ فرماندار روسیه در قفقاز به تهران آمد. تقاضای او این بود که شاه نماینده تام‌الاختیاری برای عقد قرارداد صلح به روسیه بفرستد. در ۲۱ مه وی نامه‌ای به سفیر فرانسه داد که در آن گودویچ از وی خواسته بود بین ایران و روسیه میانجیگری کند.^{۴۳}

—۴۳ — MisGar 167—8 / Kajars 335 / روضه‌الصفاء ج ۹ ص ۳—۴۴۲/

فارستامه ص ۱۲۳

شاه در يك جلسه بخصوص که گاردان را بحضور پذیرفت به او اطلاع داد که فقط موقعی حاضر به مذاکره خواهد بود که روسها تمام مناطق شمالی متعلق به ایران را تخلیه کنند ولی بارونورده خواهان آن بود که مرز جدید در امتداد رودخانههای کور و ارس قرار گیرد. ۴۴ گاردان که متوجه شد با چنین شرائط مغایری بدون کمک دولت دیگری نمیتواند کاری از پیش ببرد پیشنهاد کرد مذاکرات درپاریس بین عسکرخان از ایران و کنت تولستوی Tolstoy از سوی دولت روسیه انجام گیرد. شاه قبول کرد و فرمانی برای عسگرخان در ۳۰ مه صادر کرد که طی آن به او جهت بستن قرارداد اختیار داده بود. در همین موقع نامهائی نیز به پترزبورگ فرستاده شد که خواسته های شاه مبنی بر اینکه دوستی قدیم ایران و روسیه دوباره تجدید شده و نماینده تامالاختیار روسیه نیز برای عقد قرارداد به پاریس فرستاده شود در آن تشریح گردیده بود. ۴۵

وزیر اعظم برای اطلاع وزیر خارجه فرانسه بوی چنین نوشت: «روسها فکرمیکنند که مرز بین ایران و روسیه در اینطرف داغستان و گرجستان باید باشد در حالیکه تمام دنیا میدانند که از زمانهای قدیم این نواحی به ایران تعلق داشته و مرز بین ایران و روسیه آنطرف مزدوک بوده است. جواب گودویچ بعد از مشورت با ژنرال گاردان نوشته شده و در آن توضیح داده ایم که امپراطور فرانسه در حل مشکلات مرزی نماینده ایران است... چون برای انعقاد معاهده صلح مدتی وقت لازم خواهد بود و چون امپراطور فرانسه میخواهد بین ایران و روسیه... روابط دوستانه برقرار

44— Arch. Etr. Perse 1808, Dok. 38 Fol. 81a .

45— Ibid. Dok. 32 Fol. 64a—66b / Ibid. Dok. 34 Fol. 78a—80b. / MisGar 169—70

گردد ژنرال گاردان با بارون ورده يك موافقتنامه آتش بس یکساله پیشنهاد کرده اند تاخیر صلح از پاریس برسد . مختصر و مفید حالا موقع آنست که عالیجناب به وعده خود به دولت ایران وفا کند و در تضمین امنیت ایران بکوشد بدون آنکه بین ایران و فرانسه تفاوتی قائل شود سعی کند روسها را همانطوریکه وعده داده بود^{۴۶} از مرز های ایران براند .

عباس میرزا در نامه اش (که همزمان با نامه وزیر بوده است) به ناپلئون نوشت (تمام این مکاتبات در تاریخ ۳۱ مه یا اول ژوئن ۱۸۰۷ نوشته شده بوده اند) که ایران از شروع جنگ با روسیه تردید دارد زیرا فرانسه در این احوال به این کشور نزدیک شده و ایران منتظر خواهد شد تا نقشه های امپراطور اطلاع حاصل کند .^{۴۷} در این میان موافقتنامه آتش بس که بوسیله گاردان پیشنهاد شده بود مورد قبول دولت ایران قرار گرفت .

چون در این فاصله زبان معلوم میشد که تا چه حد دولت ایران میتواند روی هم پیمان خود کشور فرانسه حساب کند و ضمانت اجرائی قرارداد فیما بین دو کشور نیز در آن میان آشکار میگردد و از آن گذشته تعلیم قوای نظامی ایران هم میتواند ادامه داشته باشد بنا بر این شاه پیشنهاد گاردان را قبول کرد و قاصدی بعنوان نماینده تام الاختیار^{۴۸} عباس میرزا همراه بارون ورده روانه تفلیس کرد تا در آنجا قرارداد آتش بس را امضاء کنند .

46— Arch. Etr. Perse 1808 Dok. 39, 83—84/Ibid. Dok. 41, 87—90 .

همچنین رجوع شود به نامه شاه به ناپلئون

(Arch. Etr. Perse 1808 Dok. 41, 87ff.)

۴۷— این سند هم در موزه Cernuschi تحت عنوان و شماره:

موجود میباشد O. A. E., Orientaux, Perse

۴۸— فتحعلی خان نوری

فتحعلی شاه در تاریخ ۶ ژوئن ۱۸۰۸ یا ۱۰ ربیع الثانی ۱۲۲۳ از تهران به سلطانیه حرکت کرد. وزیر اعظم در ۱۷ ژوئن گاردان را بحضور خوانده و با واطلاع داد که يك ناوگان دریائی انگلیس به خلیج فارس وارد شده است و فرمانده آن ملکم Malcolm میخواهد با شاه مذاکره کند. گاردان با اینکه شاه ملکم را بپذیرد بسختی مخالفت کرد و دلیل آورد که هر رابطه ای با انگلیس تخطی از مواد موافقتنامه ایران و فرانسه خواهد بود.^{۴۹} البته نظر ژنرال گاردان از دید فرانسویان کاملاً قابل توجیه است ولی سیاست و روش فرانسه که ایران را از حمله به روسیه باز میداشت بهیچوجه به تدبیر دیپلماسی شباهتی نداشته بلکه به يك خیانت آشکار و موزیانه ای بیشتر شبیه بود چون گاردان در همان ۲ ژوئیه ۱۸۰۸ از گودویچ نامه ای دریافت کرد که در آن تزار به وی دستور داده بود تا در انجام مذاکرات آتش بس و قرارداد صلح در پاریس مخالفت کرده و بجای آن خود بشخصه مذاکره مستقیم بعمل آورد.^{۵۰}

گاردان در ۲۹ ژوئیه این مطلب را به پاریس اطلاع داد^{۵۱} ولی دربار ایران را از این خبر بی اطلاع گذارد. بارون ورده نیز نامه ای برای ولیعهد آورد که کاملاً بی اهمیت و بدون ارزش بود.^{۵۲} در حالیکه فتحعلیشاه در انتظار آن بود که متحد وی یعنی ناپلئون صلح عادلانه و قابل قبولی را بین ایران و روسیه پیشنهاد کرده و منعقد سازد و بهمین سبب هم عباس میرزا را از اقدام به عملیات نظامی بازداشته بود. در این موقع روسها به بهانه جنگیدن بر علیه

49— MisGar 172—180 .

50— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 136, 261a .

51— Ibid. Dok. 88, 159ab .

52— Kajars 336 .

عثمانی‌ها و اینکه تلفات سال‌پیش خود را جبران کنند تفلیس را ترك کردند. هنگامیکه شاه پی به نیرنگ روسها برد فرمان حرکت قوای ایران را صادر کرد ولی گاردان دخالت کرده و ادعا نمود که این کار لزومی ندارد زیرا روسها دوست فرانسه و ایران هستند و در عرض چندروز قاصدی از پاریس بایران خواهد رسید و دستور ترك مخاصمه و قرارداد بیرون رفتن روسها از مناطق ایران را با خود خواهد آورد. بنابراین بصلاح است که شاه قوا را فرا خواند و آنها در پائیز و زمستان برای حرکت بطرف هندوستان تجهیز نماید! ^{۵۳}

موقعیت دربار ایران در این موقع خیلی نامناسب و بحرانی بود. میرزا بزرگ به این فکر افتاد که از گاردان ضمانت‌نامه‌ای بخواهد مبنی بر اینکه قوای روس هیچگونه دشمنی انجام نخواهند داد. در ۲۱ اوت ۱۸۰۸ نیز ژنرال گاردان یادداشت متقابلی به میرزا بزرگ داد. ^{۵۴} گاردان نیز خواهان آن بود که ایران ضمانت بدهد تا موقعی که روسها بحال صلح باقیمانده‌اند از هرگونه اقدام خصمانه علیه روسیه خودداری نماید. این ضمانت‌نامه در ۲۳ اوت به گاردان داده شد. ^{۵۵} مبادله این یادداشتها درست در زمانی انجام شد که روسها از حدود تعیین شده ایران و روسیه پای فراتر نهدادند.

روضه‌الصفحا ج ۹ ص ۴۴۴ / ناسخ‌التواریخ ص ۷۸ / Kajars 335ff. — 53

اظهار عقیده ژنرال درباره لشکرکشی به هندوستان از طریق ترکیه و ایران در آرشیو وزارت خارجه فرانسه و همچنین گزارشات روسو نوشته شده است.

Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 107, 200a; Kajars 337; MisGar 191; — 54

روضه‌الصفحا ج ۹ ص ۴۴۵ / فارسنامه ناصری ص ۱۲۴

Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 112, 207a . — 55

تاریخ این ضمانت‌نامه ۱۸ ژوئیه یا ۲۳ جمادی‌الاول ۱۲۲۳ میباشد :

(ر ك Kajars 337 و فارسنامه ناصری ص ۱۲۴)

بودند. لامی Lamy سرهنگ فرانسوی که به اصطلاح مربی سربازان ایرانی بوده این موقعیت را اینطور تعریف میکند «..... نزدیک شدن روسها، ایرانیها را متحیر و غافلگیر کرده و ترسانیده بود. ایرانیها مطمئن شده بودند که دیگر خصومتی پدید نخواهد آمد بدینجهت آنها آمادگی هیچگونه دفاعی را نداشتند و به سواران و سربازان اجازه مرخصی برای رفتن به ولایات و دهات خود داده بودند.... معهدا از ۷ اوت حرکت روسها نشان میداد که آنها خود را برای تجاوز به مرز ایران آماده می کنند. روز ۸ اوت حرکت کرده بودند.... مقصد سرتیپ روسی معلوم و تجاوز او به حدود ایران دیگر شکی برای مسئله جنگ باقی نمیگذارد.....».^{۵۶}

سردار ایروان باعجله تمام با ۳۰۰ سوار ب حرکت درآمد تا از قدرت دشمن، تعداد سپاهیان و جهت حرکت آنها اطلاع حاصل کند. قبل از حرکت ۶۰۰ سرباز را با ۴ عدد توپ بین ایروان و رودخانه مستقر کرد، در حالیکه در قلعه ۱۵۰۰ نفر سرباز باقی گذاشت.^{۵۷}

در یک زدو خورد باروسها سواران کرد سردار با اولین غرش توپ - های روسی فرار کردند و با خانواده خود به آنطرف ارس عقب - نشینی کردند.^{۵۸} عباس میرزا قوای تقویتی به ایروان فرستاد و وقتی این قوا به آنجا رسید گودویچ محاصره را آغاز کرده و اطراف شهر را گرفته و مقر خود را در نزدیکی شهر قرار داده بود. از آنجا یک سرهنگ را با قوایی به ارس فرستاد تا یک خط دفاعی در مصب رودخانه تا شارور تشکیل دهد. سردار ایروان حمله ای

56— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 159, 299a—302a .

57— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 159, 299a—302a .

58— Kajars 343; : ۴۴۷ ص ناصری

بی نتیجه باو کرد. در این موقع ژنرال ماژور نیبالسن Nibalsin نیز بسوی نخجوان بحرکت درآمد. ولیعهد، قشون تعلیم دیده خود را از تبریز و خوی تحت فرمان یساؤل باشی به نخجوان فرستاد و خود طبق فرمان شاه درخوی باقی ماند.^{۶۰} تأمل و صبر شاه بی نتیجه بود روسها در اندیشه جنگ و در صدد بودند با حمله ناگهانی و حیلہ گری خود صلحی را که بنفع آنها بود بدست آوردند. در آنحال سفیر فرانسه تصمیم گرفت مسیو لاژار Lajard را به نزد ژنرال روسی بفرستد. مأموریت او (مورخ تهران ۱۹ اوت ۱۸۰۸) رسانیدن نامه محرمانه گاردان به گودویچ و جلوگیری از حمله او بود.^{۶۱} در این نامه گاردان نوشت که لاژار را مأمور کرده است که درباره متن نامه^{۶۲} نوامبر^{۶۱} محرمانه صحبت کند. او در نامه تاکید کرده بود که شاه متحد ناپلئون است و امپراطور مرزهای ایران را تضمین کرده است. باین دلیل وی شخصاً هر نوع حمله ای را بعنوان دعوت به جنگ با امپراطور فرانسه تلقی میکند.^{۶۲} بعد از مدتی یعنی در دوم سپتامبر ۱۸۰۸ فرمانده کل قوای روسی در نامه ای به وزیر ولیعهد اطلاع داد که او آتش بس و میانجیگری

59— Kajars 340—345; Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 200, 380a .

احتمالاً سربازان ایران در اینجا پیروزی یافته بودند و روسها با دادن ۲۰۰۰ تلفات شکست خورده بوده اند (سعید نفیسی تاریخ اجتماعی ص ۳۲۷)

60— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 165, 309a .

۶۱- احتمالاً در اینجا اشتباه چاپی رخ داده است و شاید مقصود نامه مورخ ۲ جولای بوده است .

62— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 162, 306a (12. 10. 1808 مورخ)

MisGar 205ff.

فرانسه را رد میکند^{۶۳} در صورتیکه وی در ۲ ژوئیه یعنی مدتها پیش این مطلب را به گاردان نوشته بوده است و این نیز باردیگر خیانت سفیر فرانسه را آشکار مینماید. در همان روز گودویچ نامه‌ای به عباس‌میرزا نوشت و اشاره کرد که وی فقط در صورتی حاضر به قرارداد صلح است که مرز جدید بین ایران و روسیه سواحل رود کور و ارس باشد.

در متن نامه ضمناً چنین قید شده بود... عظمت و قدرتی که دولت روس با نیروی ارتش خود بدست آورده است و فتوحات وسیعی که کرده به او حق میدهد بازهم ادعای بیشتری را در مورد حدود خود بنماید... بما اطلاع داده شده که چند تن از رؤسای قبایل کشور شما در حال شورش هستند و انگلیسها به سواحل خلیج فارس حمله کرده و پاشای بغداد نیز جانبدار انگلستان است و حتی خود را دشمن ایران اعلام کرده است.^{۶۴}

تهدیدات فرمانده روسی جایی برای سوء تفاهم باقی نمیگذاشت. گودویچ که در زمان آتش‌بس و صلح به منطقه جنگ دیده و مورد ستیزه وارد شده بود هنگامی بود که قلعه ایروان هنوز مستحفظ ایرانی داشت و در این حال وی مدعی بود که رود ارس را بعنوان مرز ایران و روس بقبولاند و بشناساند.

در نهم سپتامبر ۱۸۰۸ گودویچ نامه‌ای دیگر باین مضمون به سفیر فرانسه نوشت. «بهبیچوجه نسبت به ایران نمیتوانم تعهدی کنم مگر با عقد قرار داد صلح بدون تاخیر و براساس شرایطی که به ایران اعلام کرده‌ام...^{۶۵} تا آنموقع شاه به ضمانت ژنرال

63— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 165, 309a .

64— Ibid. Dok. 142, 269a—270b; MisGar 198—205 .

65— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 141, 267ab .

گاردان کاملاً اطمینان داشت و وقتی که شاه در صداقت متحد خود شروع به تردید کرد ژنرال گاردان این اظهارنامه را به او داد . « اینجانب امضاءکننده زیر . . . تصدیق کرده و اطمینان میدهم که مواد ۸ و ۱۲ موافقتنامه از طرف اعلیحضرت امپراطور ایران موقعی بمرحله اجرا درآمد که ماده ۴ که امپراطور فرانسه ، پادشاه ایتالیا ملزم است سعی خود را برای وادار کردن روسها به تخلیه گرجستان و مناطق ایران بنماید و در انعقاد قرارداد صلح میانجیگری کند تخلیه این مناطق همیشه هدف سیاست و نیت او خواهد بود » عملی شود و صلح بین ایران و روسیه برقرار گردد .^{۶۶}

اما در نامه‌ای که ژنرال گاردان به وزیر خارجه فرانسه نوشت لحن کاملاً متفاوتی داشت . این نامه در سوم اکتبر ۱۸۰۸ در تهران نوشته شده است . لحن تحقیرآمیزی که وی در مورد اعتماد دربار ایران به ضمانت او که نماینده ناپلئون بوده کاملاً آشکار میباشد . لحن نامه چنین است .

« دربار شاهنشاهی ایران از وعده های من اطمینان خاطر کاملی داشته است . . . و وقتی که از روابط نزدیک امپراتور فرانسه و امپراتور روس آگاه شده بود . . . تخیل میکرد که امپراتور الکساندر به آسانی مذاکرات صلح را در پاریس خواهد پذیرفت . . . فرستاده ویژه مارشال گودویچ به تبریز رسیده است و نامه‌هایی که همراه داشت هرگونه توهمی را که دربار ایران میتواند در این باره بحق داشته باشد از بین برد . . . »^{۶۷} لحن نامه سفیر فرانسه واقعا در اینجا خیلی قابل تعمق و در ضمن عجیب است . اعتماد و اطمینان شاه به آتش‌بس و اعتقاد بر اینکه ناپلئون در عقد معاهده صلح

66— IOR FR26, 113 .

67— MisGar 190ff.

میانجیگری میکند همه با اعمال نفوذ شخص گاردان ارتباط داشت. با این همه هنوز شاه نمیخواست روابط ایران و فرانسه قطع شود چون بخاطر رفتار گاردان هنوز امیدوار بود هر روز از فرانسه قاصدی برسد.^{۶۸} ولی بالاخره اجباراً تصمیم گرفت به عباس میرزا اختیار بدهد.^{۶۹} تا باگودویچ یک موافقتنامه آتش بس منعقد کند. فلیکس لاژار Felix Lajard که ماموریت خود را بعلت کسالت نتوانست عملی کند^{۷۰} از طرف گاردان مامور همین کار شد و باین منظور تهران را در ۱۷ اکتبر ۱۸۰۸ ترک کرد که فرمان شاه را به عباس میرزا ولیعهد نیز برساند.

تنها نتیجه‌ای که از رفتار گاردان خواه عمدی یا ندانسته عاید شد این بود که قسمت اعظم قوای ایران بطرف آذربایجان حرکت نکرد و روسها از این موقعیت استفاده کرده با تمام وسائل سعی کردند ایروان را فتح کنند. مسلم اینستکه گاردان مدتی پیش یعنی قبل از ۱۶ اکتبر نسخه‌ای از نامه سریع‌السییر^{۷۱} و محرمانه گراف رومانزوف Graf Romanzov به گودویچ را از وی دریافت کرده بود و در آن صریح نوشته شده بود که تزار مخالف مذاکرات صلح در پاریس است و ژنرال روس آزاد است هر موقع صلاح دیده و بنفع اوست دوباره دست به اسلحه ببرد. عباس میرزا در این احوال حرکت کرده و بنزدیکی نخجوان رسیده بود. سردار ایروان با سواران خود که در اوایل اکتبر از قزاقها شکست خورده بودند به ولیعهد ملحق شد. سربازان روس در روی تپه‌ای نزدیک قارا بابا

۶۸- ناسخ‌التواریخ ص ۷۷-۸

69- Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 175, 335ab .

70- Kajars 339;

ناسخ‌التواریخ ص ۷۸ :

71- Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 166, 310a-311a; MisGar 344-348 .

مکان سوق الجیشی خوبی بدست آورده بودند و سربازان کمکی دیگر روسی نیز به آنها پیوستند. بطریقی ناصواب و برخلاف عقل عباس میرزا در هشتم نوامبر ۱۸۰۸ دستور حمله داد.^{۷۲} عبدالرزاق وقایع-نگار می نویسد که عقب نشینی بدون اقدام به جنگ دون شأن عباس میرزا بوده است. بطوریکه لاژار Lajard مینویسد عباس میرزا پس از جنگ گفته است که این حمله را فقط به آن جهت کرده بود که قوای تازه خود را آزمایش کرده باشد. البته این آزمایش خیلی موفقیت آمیز نبود بعد از آنکه قوای تازه رسیده از تبریز قسمت مهمی از تپه را طی کردند ناگهان قوای کمکی روسها به صحنه جنگ رسیدند و عباس میرزا بعد از چند ساعت نبرد بهتر آن دید رزمگاه را ترک کند. لاژار می نویسد در این جنگ ۳۰۰۰ سرباز ایرانی کشته یا زخمی شدند ولی رضاعلی خان هدایت تعداد کشته شدگان هردو طرف را ۱۰۰۰ نفر ذکر میکند. در حالیکه روسها نخجوان را نیز اشغال کرده بودند، ایرانیها فقط میتوانستند گروههای پراکنده سربازان روس را از پای در آورند. عباس میرزا از قرارگاه خود قبان باشان، یوزباشی خویش را به نخجوان فرستاد ولی او هم فقط توانست سربازان روس را از مخفی گاههای خود بیرون براند و به خرابه های شهر فراری دهد چون او بدون توپخانه نمی توانست موفقیتی کسب کند به قبان باشان بازگشت. در این موقع که احتمالاً او اسط نوامبر بود لاژار به اردوگاه رسید و پیغامی از گاردان آورد باین مضمون که در اروپا رسم است وقتی فرستاده یا سفیری در راه است که میخواهد درباره صلح مذاکره کند باید دست از خصومت

کشید و جنگ را متوقف کرد. میرزا بزرگ یکبار دیگر در مقابل لاژار درآمد و گفت شاه کاملاً به گفته ژنرال گاردان اعتماد کرده و باین دلیل کمترین آمادگی برای دفع حمله روسها را نداشته و از پذیرفتن سفیر انگلیس نیز خودداری کرده و بیش از هر چیز گاردان افسران فرانسوی را از شرکت در جبهه جنگ ممنوع کرده است. در حالیکه لاژار نزد گودویچ رفته بود عباس میرزا از قرارگاه خود مراجعت کرد.^{۷۲} زیرا شاه در ۲۴ اکتبر ۱۸۰۸ قاصدی از تهران فرستاده بود با این پیغام که ولیعهد فقط میتواند شهر خوی را بمنظور مراقبت خطوط دشمن ترك نماید.^{۷۴} در همین زمان از دربار ایران چندین نامه به فرانسه فرستاده شد. مضمون اصلی تمام این نامه ها پرسش از عدم وصول خبر در مورد مذاکرات صلح بود. از جمله شاه به امپراطور^{۷۵} و وزیر اعظم به وزیر خارجه فرانسه^{۷۶} دو نامه نوشتند. دلیل تنها ماندن ایران در این موقعیت در نامه ای که به سفیر ایران یعنی عسگرخان در تاریخ ۷ نوامبر ۱۸۰۸ نوشته شده است بخوبی مشهود است: «... خد امیداند... که امپراطور ایران با تمام سران کشورهای همسایه مثل امپراطور ترك و روس و شاه انگلستان ارتباط و دوستی خود را قطع کرده است... بعلاوه مسلم است که خواه بخاطر دوستی با امپراطوری ترك و خواه رفتار متعادل نسبت به روسها و خواه تنفر نسبت به انگلیسیها تمام نتیجه و اثر اتحاد ما با فرانسه

73— Kajars 345—352; Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 200, 379b—384b; MisGar 210f; Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 175, 338b, 342a;

74— MisGar 214 .

ناسخ التواریخ ص ۷۸ و ۸۰ روضة الصفا ج ۹ ص ۴۴۷ ببعده

75— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 170, 325ab .

76— Ibid. Dok. 171, 327a—329b .

است... ۲۲» این نامه در حقیقت جواب نوشته عسگرخان بود در این نامه وی امید زیادی به ضمانت‌هائی که در تقشه‌های ناپلئون درباره ایران داده شده بود نداده و مراجعت خود را اطلاع داده بود.^{۷۸} در اینحال ناراحتی دربار ایران هرروز بیشتر میشد و هرچه بیشتر به انتظار جواب احتمالی ناپلئون نشستند از تعداد طرفداران فرانسه کاسته شد. شاه از ۱۹ سپتامبر دیگر سفیر فرانسه را بسبب ترسیدن نامه از پاریس بحضور نپذیرفت و هر روز دستور میداد از گاردان بپرسند آیا پیغامی از فرانسه رسید یا نه؟ گاردان در ۲۵ نوامبر که بالاخره به حضور شاه پذیرفته شد اطمینان داد که هرروز انتظار ورود يك پيك را میکشد که ثابت شود ناپلئون به ایران علاقمند است اما شاه سخن او را قطع کرده چنین گفته بود: «این پيك‌ها خیلی طول میکشد... و میترسم موقعی برسند که دیگر فرصتی باقی نمانده باشد... روسها از شمال امپراطوری حمله میکنند و فصل برای قوای ایران بسیار نامناسب است بخصوص که آنها باندازه کافی تعلیم ندیده‌اند و هیئتی که در اردوگاه سلطانیه داشتیم و تصمیم داشتیم به فرزند خود عباس میرزا برای حمایت از مرزها بفرستیم همه به مرخصی فرستاده شده‌اند تمام این اقدامات ما بر اساس اطمینان دادن‌های شما که روسها بهمیچوچه بدون رضایت اعلیحضرت جنگی را شروع نخواهند کرد بوده است. مارشال گودویچ هم فرانسه و هم ایران را فریب داده است. وی انتظار پاسخهای ما را نکشیده و در يك هنگام نامناسب و در لحظه‌ای که ما بگفته جناب ژنرال اعتماد کرده و اطمینان کامل از صلح داشتیم روسها جنگ را بغتاً آغاز کرده

77— Ibid. Dok. 188, 361a .

78— MisGar 224 .

اند.... شاه سپس اشاره میکند که قوای تازه تعلیم دیده ایران بدون مربی خود وردیه Verdier که بدستور ژنرال گاردان با سایر افسران از میدان جنگ فرا خوانده شده بود میبایستی بجنگد و از لاژار نیز بیش از ۳۶ روز است که خبری نرسیده.» سفیر پاسخ داد که شاید اوضاع اسپانیا و پرتغال آنچنان توجه ناپلئون را پریشان کرده است ولی اگر ناپلئون از رفتار عجیب و ناجوانمردانه روسها اطلاع پیدا میکرد بدون شك خواستار جبران اعمال آنها میشد.... «اما شاه دیگر مایل نبود که با حرفهای گاردان و قولهای دروغ او خود را معطل کند و همانطور که قبلا دیدیم پاسخ وی به گاردان نشان داد که از جریانات سیاسی اروپا کاملا آگاه شده بوده است. پاسخ نامبرده چنین است: «ژنرال شما مسخره دست روسها قرار گرفته اید و شما میبایست پیشبینی میکردید که با دریافت جواب گودویچ در مورد آتشبس دولت روس دیگر تن به میانجیگری امپراطور فرانسه نخواهد داد».

شاه سپس اشاره میکند که سفیر انگلیس را علیرغم مزایا و هدایائی که آورده بود رد کرده و سفیر دیگر انگلیس اکنون تقاضای باریابی بحضور وی را دارد و آنچه که برای او از همه دردناکتر است اینست که ملت انگلیس در مورد تحویل اسلحه ۲۹ از فرانسه بمراتب سخاوتمندتر است و انگلیسیمها اگر شاه به پیشنهاد آنها

۷۹- در ۲۱ ژانویه ۱۸۰۸ در تهران قراردادی در مورد تحویل ۲۰۰۰۰ تفنگ منعقد گردید. (این سند در بهار سال ۱۹۷۲ در موزه Cernuschi پاریس تحت عنوان شماره (A. N., A. E. III 55) بنمایش نهاده شده بود. در دوم نوامبر ۱۸۰۸ وزیر امور خارجه فرانسه به گاردان چنین نوشته است که ناپلئون این قرارداد را موقعی قبول خواهد کرد که وزیر جنگ فرانسه نیز با آن موافقت داشته باشد (Arch. Etr. Dok. 178, 346ab)

توجه نکند به ایران حمله خواهند کرد آیا ژنرال عقیده دارند ایران در آن واحد در مقابل روس و انگلیس میتواند بجنگد؟ سفیر فرانسه جواب داد که او صلاح نمیداند در دو جبهه بجنگد ولی بمحض اینکه يك سفیر انگلیس پای خود را بنخاک ایران بگذارد وی ایران را ترك خواهد کرد. البته شاه نمیخواست چنین اتفاقی بیافتد لذا یکبار دیگر به سفیر فرانسه تذکر داد که ایران تمام خواسته‌های او را انجام داده و دلیلی ندارد که سفیر از کشور برود و پرسید آیا او فکر میکند در ایران کسی نمیداند که در اروپا در آن واحد در هر يك از دربارها هم سفیر فرانسه و هم سفیر انگلیس اقامت دارند؟

در آخر شرفیابی فتحعلیشاه با وجود موقعیت خطیر يك مهلت ۶۰ روزه به گاردان داد که نشان بدهد ناپلئون چه اقدامی بنفع ایران کرده است . ۸۰

در ۲۵ نوامبر ۱۸۰۸ یعنی دوازده روز بعد از شرفیابی ، ژنرال گاردان به وزیر اعظم یادداشتی داد مبنی بر اینکه چنانچه يك انگلیسی بحضور شاه پذیرفته شود وی ناچار است فوراً ایران را ترك کند . ۸۱
وزیر اعظم یکبار دیگر در ۲۶ نوامبر نامه‌ای به وزارت خارجه فرانسه بدین مضمون نوشت .

«.... در موقعیتی که فرانسه... در نجات ما اقداماتی سریع نمیکند و ما را در راندن این دشمنان کمک نمیکند همانطور که در قرارداد اتحاد خود را متعهد کرده است لشگریان ما نمیتوانند هرگز در برابر نیروهائی که از جهات مختلف بما حمله میکنند بجنگند...» ۸۲

80— MisGar 232—240; Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 202, 388a—392a .

81— MisGar 248 .

82— Arch. Etr. Perse 1805 Dok. 211, 422—425 .

شامپانی *Champagny* این جواب نهائی را در نامه مورخه ۲ نوامبر ۱۸۰۸ به اطلاع گاردان میرساند «انجام مذاکرات در زمانی طولانی طبیعی نیست این اوضاع باعث تأخیر بیشتر میگردد سعی کنید دو کشور را بیکدیگر نزدیک کنید و فرانسه را از در دس مذاکره و بحثی که بهیچوجه برایش سودی در بر ندارد و چنانچه بمیل دربار ایران خاتمه نیابد در روابط بین ایران و فرانسه خدشه وارد می آید خلاص کنید...»^{۸۳} در ۱۲ فوریه ۱۸۰۹ گاردان برای آخرین بار بحضور شاه شرفیاب شد و ژوانن *Jovannin* و دونرسیا *dé Nerciat* را بعنوان نمایندگان فرانسه در تهران باقی گذاشت و خود عازم تبریز شد.^{۸۴} لاژار که در پائیز ۱۸۰۸ نزد گودویچ رفته بود هنوز از خود خبری نداده بود. در ۲۸ مارس ۱۸۰۹ اولین مراسله او که بیشتر حاوی روزنامه‌ها بود از تفلیس رسید.^{۸۵} کمی دیرتر سفیر فرانسه با اعضاء سفارت، ایران را از راه تفلیس ترک کرد.^{۸۶} همینطور ژوانن و دونرسیا.^{۸۷} که ابتدا در تهران مانده بودند می بایست حرکت کنند.^{۸۸}

نفوذ منحصر بفرد گاردان سفیر فرانسه در سیاست ایران بخصوص نسبت به روسیه به شرفیابی وی در نوامبر ۱۸۰۸ خاتمه

83— Ibid. Dok. 178, 345a .

84— MisGar 280—285 .

85— Ibid. 287, 291 .

86— Kajars 375ff. / روضة الصفا ص ۴۵۵ / ناسخ التواریخ ص ۸۳

تاریخ قاجار حقائق الاخبار ناصری ص ۱۴

87— وی گزارشی درباره عباس میرزا و وضع دربار او در تبریز نوشته است (Arch. Etr. II Perse 7)

88— Kajars 378; Mor 220 .

یافت. در هر حال این اعمال نفوذ تقریباً یکسال خط مشی خارجی ایران را تعیین کرد. گاردان در جلوگیری و بازنگاهداشتن قوای ایران که شاه در غیر آن صورت به مقابله روسها میفرستاد مسئول واقعی بود. این امر در مدت زمانی میان ماه اوت تا نوامبر ۱۸۰۸ باعث ازدست رفتن مناطق مهمی از ایران شد. گاردان چنان تأثیری در دربار ایران گذاشته بود که تصور میشد وی میتواند روسها را وادار به انجام کارهایی مثل آتش بس کند، با وجود آنکه وزیر خارجه فرانسه او را از تغییر اوضاع سیاسی در اروپا مطلع کرده و وی میدانست که تمام وعده هایش پایه و اساسی ندارند. در نامه ۲۶ اوت ۱۸۰۷ شامپانی به سفیر توجه داده بود که نقطه عطف مأموریت جدید او در ایران جلوگیری از انعقاد قراردادهای بازرگانی بین ایران و انگلیس خواهد بود.

ناپلئون در مورد مسئله منازعات ایران و روس نیز اشاره مختصری کرده بوده است به این مضمون.

«شما میتوانید به دو دولت ایران و روس در مورد نقشه ایجاد ارتباط و نزدیکی کمک کنید و اگر نفوذی در مذاکرات آنها داشتید سعی کنید صلح شرافتمندانه‌ای برای ایران بدست آورید»^{۸۹} سفیر حداکثر ابتدای سال ۱۸۰۸ از این مطلب که از فرانسه انتظار کمک نمیرفت اطلاع یافته بود زیرا وزیر خارجه فرانسه به او نوشته بود که فقط می‌بایست از نفوذ خود استفاده کند. نامه گودویچ به گاردان در ۲۵ مارس ۱۸۰۸ نیز واضح و روشن است «... ژنرال تصور میکنم شما بعنوان سفیر امپراطوری فرانسه که

در حال حاضر با امپراطوری روس متحد است سوء استفاده میکنید درحالیکه من میدانم که شما دستوردارید که دیگر در نظرات ایران علیه منافع روسیه دخالت ننمائید....»^{۹۰}

در اینجا فقط باید روشن شود که سفیر فرانسه علیرغم اطلاع خود به دربار ایران اطمینان داد که هر روز منتظر نامه‌ای از فرانسه میباشد و او میتواند از نفوذ خود بر روسها سود برد. آنچه که او را به اینچنین رفتار واداشت و همینطور قضاوت در این مورد در این خلاصه نمی‌گنجد و مناسب این مقاله نیست.

خلاصه گزارش^{۹۱} گاردان از نظریاقت و کفایت سیاسی وزیران ایران اهمیت دارد. وی در ۲۳ آوریل ۱۸۰۹ درخوی چنین نوشته است. «.... اینان (یعنی وزراء ایرانی) بطور کلی و اجمالی و باندازه کافی از اوضاع اروپا شناسائی پیدا کرده‌اند.... اینان ماهر و با هوش‌اند و امور خود را بخوبی اداره میکند....»

ج - پایان تدریجی روابط ایران و فرانسه

شاه ایران برای اینکه روابط ایران و فرانسه بصورت دوستانه‌ای خاتمه پذیرد سخت در اندیشه بود و کوشش می‌کرد که راه اتحاد مجدد با فرانسه در موقعیت مناسب دیگری باز بماند. وقایع سال ۱۸۰۸ به او نشان داد که به اطمینان يك متحد نشستن چقدر میتواند خطرناک باشد. بنابراین با ژنرال گاردان در نهایت دوستی خدا حافظی کرد و چندین بار به او پیشنهاد کرد در تهران بماند ولی وقتی ژنرال

90— Ibid. 339—341 .

91— MisGar 298—313 .

برعکس خواست ناپلئون ایران را ترك كرد فتحعلیشاه در نامه‌ای كه به امپراطور فرانسه نوشت سعی كرد امکان هر نوع خشم را در ناپلئون از میان ببرد .

مضمون نامه اینطور بود «... برای اینکه جناب ژنرال گاردان را در ایران نگاهداریم از خواهش و تمنا خودداری نکردیم... اوضاع و احوال فعلی ما را مجبور میکند که نسبت به سفر او و نمایندگان انگلیس توجه کنیم ولی همیشه انتظار داریم که از طرف برادر ارجمند خبری برسد... ما اتحاد با فرانسه را قطع نکرده ایم.»^{۹۲} همچنین ناپلئون باین فکر بود که ارتباط را ناگسسته نگهدارد و از اینکه ژنرال گاردان ایران را بدون دستور او ترك کرده بود عصبانی بنظر میرسید. وی در ۲۰ اوت ۱۸۰۹ نامه‌ای در اینمورد به وزیر خارجه خود نوشت در پای نامه با دستخط خود اینطور اضافه کرده است: «من در توسعه روابط با ایران اهمیت قائل بوده و برای این منظور آماده هر اقدامی میباشم»^{۹۳} این آرزو به اینجا ختم شد و بجای آن در ایران نفوذ انگلیس دائماً در حال تزايد بود. طبق قرارداد تیلست Tilsit که در آن نامی از منافع ایران برده نشده بود به روسیه اجازه داده شده بود با تمام قدرت در قفقاز پیشروی کند و این اقدام قابل چاره و برگشت نبود. در خاتمه این فصل بایستی نوشته کنت آلفرد گاردان

۹۲- این نامه نیز در بهار سال ۱۹۷۲ در موزه Cernuschi پاریس موجود

بود و تصویر فتوکپی شده اصل نامه فارسی در روی جلد کاتالوگ نمایشگاه

چاپ شده بود و شماره و عنوان آن چنین بود : A. E., Doc. Orientaux

۹۳- این سند هم در نمایشگاه نامبرده در بالاتحت شماره ۱۴۳ کاتالوگ موجود بوده

ناشر کتاب MisGar (رك به فهرست آخر مقاله) نقل شود. سیاست سنتی فرانسه برای دوستی روسیه که میتواند فردا تغییر کند فدا کرده شد ولی گناه و ایراد بزرگتر بنظر ما اینست که دولت فرانسه به وعده ها و قول و قرارهای خود وفا نکرد.^{۹۴}



علامات اختصاری منابع خارجی و مآخذ بترتیب الفبا

- Arch. Etr. 1 علامت اختصاری برای : آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه و شماره‌های قید شده در آن شماره‌های پرونده ، اسناد و صفحه‌ها میباشد .
- IOR 2 علامت اختصاری مدارکی است که تحت عنوان India Office House در India Office Records لندن موجود میباشد. علامت پرونده‌ها نیز بطور اختصار ذکر شده‌اند . از جمله FR بجای Foreign Records و Home Series Mis بجای Home Series Miscellaneous series و بالاخره شماره سری آمده است و گه گاهی هم شماره اسناد و شماره صفحه ذکر شده است IOR FR 23 نه شماره صفحه داشت و نه شماره اسناد و بهمین سبب من برگها را تا ۵۱۲ شماره بندی کردم . از آن بعد هم شماره اسناد و پرونده‌ها را می‌توان از روی تاریخ آنها پیدا کرد چون تمامشان بترتیب جمع‌آوری شده‌اند .
- Jau 3 Jaubert, Pierre Amédée
Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806 suivi d'une notice sur le Ghilan et le Mazenderan par M. Le Colonel Trezel, Paris 1821 .
- Kajars 4 Brydges, Sir Harford Jones (editor and translator)
The Dynasty of the Kajars, London 1833 .
- Lock 5 Lockhart, Laurence
The Fall of the Safavi Dynasty..., Cambridge 1958 .

- | | | |
|---------|----|---|
| Mis Gar | 6 | Gardane, Alfred de
Mission du général Gardane en Perse sous le premier
empire, Paris 1907 . |
| Mor | 7 | Morier, James Justinian
A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor
to Constantinople, in the years 1808 and 1809,....
London 1812. |
| Pro | 8 | McNeill, John
Progress of Russia in the East, London 1835 . |
| Quad | 9 | Quadflieg
Die russische Expansionspolitik in Asien . |
| Rouire | 10 | Rouire, Dr.
La Rivalité Anglo-Russe au XIXe Siècle en Asie,
Paris 1908 . |
| Schlkau | 11 | Schlehta-Wssehrd, Ottokar Freiherr von Die Kämpfe
zwischen Persien und Russland in Transkaukasien
seit 1804-1813, in Sitzungsber. d. Phil. - Hist. Classe
der Kaiserl. Akad. der Wiss., 46. Bd., Wien 1864 . |
| Wat | 12 | Watson, R. G.
A History of Persia, London 1866 |
| Zink | 13 | Zinkeisen, Johann Wilhelm
Geschichte des osmanischen Reiches in Europa, Bd.
VII, Gotha 1863 . |